

یکصد و شصت سال مبارزه با دیانت بهائی

کوشه‌ای از تاریخ اجتماعی-دینی ایران در دوران معاصر

فریدون وهمن



انتشارات عصر جدید ۱۳۸۸ [۲۰۰۹]

یکصد و شصت سال مبارزه با دیانت بهائی
گوشه‌ای از تاریخ اجتماعی - دینی ایران در دوران معاصر
تألیف فریدون وهمن

© حق چاپ برای نویسنده محفوظ است

انتشارات عصر جدید ۱۳۸۸ [۲۰۰۹]

ISBN: 978-3-00-029899-8

یکصد و شصت و سه سال
ویرانی گنبد بنای مرکز بهائیان تهران

فریدون وهمن



شرح روی جلد: یک کتاب در یک تصویر
مردم عامی برای ثواب یا دستمزد، به
ویرانی گنبد بنای مرکز بهائیان تهران
(حظیره القدس) مشغولند (رمضان
[اردیبهشت] سال ۱۳۳۴ ش. [مه
۱۹۵۵ م.]). حجة الاسلام فلسفی (نمودار
نهاد روحانیت) با رضایت کامل به نتیجه
ماه‌ها کوشش خود می‌نگرد. مأمور دولت
(اینجا در لباس نظامی) با هم‌دستی و
هم‌فکری با روحانیت در این سرکوبی دست
دارد. در پس ایشان کسی در لباس شخصی
(نمودار روشنفکران ما) بر این ظلم‌ها و
قانون‌شکنی‌ها با سکوت خود صحه
می‌گذارد. کتاب حاضر داستان این اتحاد

نامبارک در یکصد و شصت و سه سال سرکوب و آزار بخشی از مردم کشور ما به جرم بهائی بودن
است.

فهرست مندرجات

کتاب نخست:

۱۵	پیشگفتار
۲۲	فصل اول: معمای بهائیت
۳۳	روحانیت و بهائیان در دوران قاجار
۴۴	روحانیت و بهائیان در دوران پهلوی
۴۵	دروغ پراکنی و لجن مالی
۵۳	فصل دوم: دلایل مخالفت با دیانت بهائی
۵۶	اسلام و دیانت بهائی
۵۷	میراث مشترک دینی جهان
۵۹	تفاوت‌های عقیدتی با اسلام
۶۴	تفاوت‌های اجتماعی
۶۵	دین بهائی و هویت ملی
۷۸	پاسخ ایران به غرب و غرب زدگی
۸۴	فصل سوم: مبارزه با بهائیان در دوره قاجاریه
۹۱	گوشه‌ای از سرکوب و کشتار بهائیان یزد
۹۴	صحنه‌هایی از بهائی‌کشی در خراسان
۹۸	جامعه بهائی در دوران قاجار
۱۰۵	فصل چهارم: بهائیان در دوران پادشاهی رضا شاه پهلوی

۱۰۷	واقعه قتل ایمری کنسول امریکا
۱۱۴	سیاست دینی رضا شاه
۱۱۴	گسترش مدارس بهائی
۱۱۷	مدارس بهائیان قربانی برداشتن حجاب
۱۲۰	سال شمار کشف حجاب
۱۲۵	فصل پنجم: بهائی ستیزی در دوران محمد رضا شاه پهلوی
۱۴۰	۱ - توطئه پردازی و دشمن تراشی
	۲ - یادداشت های کینیاز دالقرورکی یا اسرار پیدایش مذهب
۱۴۹	باب و بهاء در ایران
۱۶۱	۳ - کشتار بهائیان در شاهرود
	۴ - هشتاد و یک ضربه چاقو بر پیکر یک طیب، قتل هولناک
۱۸۶	دکتر برجیس در کاشان
۲۲۱	۵ - عشق، حسادت و خیانت، قتلی فجیع در ابرقو و پی آمدهای آن
	۶ - بهائی ستیزی آیت الله بروجردی و حجة الاسلام فلسفی، اشغال نظامی
۲۴۱	حظیرة القدس (مرکز اداری بهائیان) تهران
۲۷۶	۷ - انجمن ضد بهائیت حجّیه
۲۹۳	۸ - دکتر فریدون آدمیت، مورخ یا ردّیه نویس
۳۱۸	۹ - سفرنامه ناصر خسرو و بهائیان، سفالینه ای بی ارزش
۳۲۹	۱۰ - بهائیان جاسوس، عاملان روس، انگلیس، امریکا، صهیونیسم
۳۶۳	۱۱ - بهائیان و ایران، بی علاقه به میهن یا پیشگامان روشنفکری در ایران
۳۸۹	۱۲ - هویدا، وزراء و بلندپایگان معروف به بهائی در زمان شاه
۴۱۱	۱۳ - تحقیر، خوار داشتن و نجس شماردن

فصل
ک
ب
فصل
د
د
د
د
فصل
س
ب
فصل
تشک
ا
ن
د
ش
د

کتاب دوم

جمهوری اسلامی در رویارویی با جامعه بهائی ایران

۴۳۹	فصل ششم: بهائی آزاری در روزهای آخر رژیم شاه
۴۴۱	کشتار و آتش سوزی در قریه سعدیه شیراز
۴۴۷	یورش بر بهائیان بویر احمدی
۴۵۴	فصل هفتم: بهائیان نخستین قربانیان ظلم در جمهوری اسلامی
۴۵۷	دولت موقت مهندس بازرگان
۴۵۹	دوران بنی صدر و رجائی
۴۶۲	دوران محمدعلی رجائی رئیس جمهور
۴۶۳	دوران وحشت و اختناق
	فصل هشتم: تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی
۴۶۵	سلب همه حقوق انسانی و شهروندی از بهائیان
۴۷۲	پی آمدهای حذف بهائیان از قانون اساسی
	فصل نهم: دستگیری، شکنجه و اعدام اعضای
۴۷۴	تشکیلات بهائی و بهائیان سرشناس
۴۷۷	اعدام دوتن اعضای محفل محلی بهائیان تبریز
۴۷۸	ربودن اعضای محفل ملی بهائیان ایران
۴۸۳	دستگیری و اعدام اعضای محفل محلی بهائیان یزد
۴۹۰	شکنجه و اعدام اعضای محفل محلی بهائیان همدان
۴۹۲	دستگیری و اعدام اعضای محفل محلی بهائیان تهران

- فصل دوازدهم: پس از آیت‌الله خمینی، دوران جدید اختناق
- ۵۶۹ مصوبه شورای عالی انقلاب در مورد بهائیان
- ۵۷۱ ادامه اخراج بهائیان از مشاغل دولتی و خصوصی
- ۵۷۳ محرومیت دانشجویان بهائی از تحصیل
- ۵۷۴ یورش و تعطیل دانشگاه آزاد علمی بهائیان

فصل سیزدهم: بهائیان در دوران ریاست جمهوری حجة الاسلام محمد خاتمی

- ۵۷۹ شکاف عمیق "انتظار شریعت" و "اقتضای واقعیت"
- ۵۸۰ کلاف سردرگم مشکل بهائیان
- ۵۸۲ یورشی دیگر بر دانشگاه زیرزمینی بهائیان
- ۵۸۳ مشکلات حقوقی ثبت ازدواج بهائیان
- ۵۸۴ محروم ساختن بهائیان از هر نوع اشتغال
- ۵۸۷ ضبط اموال و دارائی‌های بهائیان
- ۵۸۹ اخراج دانشجویان بهائی از دانشگاه‌ها
- ۵۹۰ در این کارها دخالت نکنید
- ۵۹۲ درباره حقوق شهروندی بهائیان
- ۵۹۴ راه چاره کدام است؟
- ۵۹۶ بهائیان حق حیات دارند یا خیر؟
- ۶۰۰ ادامه تخریب مکان‌های تاریخی

فصل چهاردهم: جامعه بهائی در دوران ریاست جمهوری آقای محمود احمدی نژاد

- ۶۰۳ سخت‌گیری‌های تازه، جمع‌آوری آمار بهائیان
- ۶۰۸ سیاست فرسودن و تحلیل بردن جامعه بهائی
- ۶۱۰ مشتی از خروار، ماجرای یک طیب بهائی
- ۶۱۶ فعالیت‌های دینی، تبلیغاتی و فرهنگی علیه بهائیان

۶۲۲	بازداشت و محکومیت ۵۴ جوان بهائی در شیراز
۶۲۶	من هاله روحی، یک زندانی هستم
۶۲۸	آتش زدن خانه‌ها و ویرانی قبرستان‌های بهائیان
۶۳۱	امضاء طومار برای مقابله جدی با بهائیت
۶۳۲	مجازات اعدام برای مرتدین
۶۳۵	دستگیری و محاکمه "یاران ایران"
۶۴۲	فصل پانزدهم: بالا رفتن تب توهم توطئه در جمهوری اسلامی
۶۵۱	فصل شانزدهم: پایگاه‌های آیات عظام در مقابل دیانت بهائی
۶۵۱	آیت الله خمینی و بهائیان
۶۵۷	آیت الله منتظری و حجة الاسلام کروی
۶۶۴	آیت الله خامنه‌ای، مکارم شیرازی، محلاتی، دستغیب و دیگران
۶۶۶	فصل هفدهم: دادخواهی بهائیان به مراجع بین‌المللی
۶۶۸	هم‌دلی و پشتیبانی روشنفکران و نویسندگان ایرانی با بهائیان
۶۷۲	من هم بهائی هستم
۶۷۴	ما شرمگینیم، یک قرن و نیم سرکوب و سکوت کافی است
۶۷۷	سازمان‌های ایرانی طرفدار حقوق بشر، گروه‌های سیاسی و اجتماعی
۶۷۹	سخن پایانی
۶۵۹	اسناد و مدارک
۷۴۳	کتاب‌شناسی
۷۵۶	فهرست اسامی و اعلام (نمایه)

تقدیم کتاب

به روان زنان و مردان شجاعی که جان خود را در نهایت
مظلومیت برای آزادی عقیده و حق انتخاب دین از دست
داده‌اند...

به آنان که در زندان‌های رژیم جمهوری اسلامی به همین
خاطر دچار رنج و شکنجه‌اند...

به هزاران کسان که در این راه از اشتغال به هر پیشه‌ای و از
حق تحصیل در دانشگاه‌ها محروم گشتند...

به همه ستم‌دیدگان عقیدتی، رنج‌دیدگان، مردم
بلاکشیده‌ای که بر اعتقاد خود استوار و پایدار ایستادند و سر
به ظلم خم نکردند...

و سرانجام به روح مردگانی که جمهوری اسلامی حق آرمیدن
در خاک را نیز از آنان گرفته است...

باید تاریخمان را از نو بخوانیم و بسنجیم... به نوعی خانه تکانی
تاریخی محتاجیم... فرضیات و گمان‌ها و جزئیات پیشین را وا باید
گذاشت ... باید این فرض را بپذیریم که دانسته‌ها و شنیده‌های
پیشین ما شاید به قصد گمراهی مان بوده و تنها با ذهنی پالوده از
رسوبات گذشته می‌توان به گرت‌های از حقیقت دست یافت.

بیش و کم تمامی جنبه‌های فرهنگ و ادب و تاریخ ایران کماکان
ناکاویده مانده و روشنفکران متجدد اغلب به اعتبار سیاست زدگی،
شانه از زیر بار انجام تحقیقات جدی خالی کرده‌اند و به جای تعالی
شعور اجتماعی، بیشتر به برانگیختن شور توده مردم توجه داشته‌اند.
عباس میلانی

معیار ما در هر زمینه، در هر آرمان و هر جا که باشیم مذهبی است.
چه معتقد به مذهب باشیم و چه نباشیم. داوری تاریخی برایمان
حکم تکبیر یا تکفیر دارد. یا بزرگداشت مطلق است و یا طرد مطلق.
مردان تاریخ یا منجی هستند و برگردانی از امام زمان و یا ملعونند و
چهره‌ای از ابلیس. بی‌سبب نیست که هنوز حتی یک دوره ناقص
تاریخ معاصر ایران را نداریم. چه بسا نیازی هم نباشد، جملگان
نخوانده و ندانسته صاحب نظرند!

هما ناطق

پیشگفتار

این کتاب گوشه‌ای از تاریخ سوخته و پایمال شده کشور ماست. تاریخی است که کمابیش اکثریت مردم ایران از آن چیزی شنیده و یا شاهد بخشی از آن بوده‌اند، اما با پرهیز و گریزی باورنکردنی هرگز نخواستند خود را با آن آشنا سازند. تاریخ سرکوبی بی‌رحمانه دینی است که از ایران برخاسته و تعالیم و آرمان‌های اصلاح‌جویانه آن می‌تواند تحوّل بنیادین در فرهنگ و مفاهیم و باورهای دینی مردم ایران بوجود آورد.

اما این دین، که در بیش از صد کشور دنیا گسترش یافته و احترام بسیاری از اندیشمندان و صاحب‌نظران را در سراسر جهان برانگیخته، از زمان تولّد تا امروز در زادگاه خود مورد سرکوب و آزار قرار گرفته، پیروانش با شقاوت و بیرحمی کشتار شده‌اند، اموالشان به تاراج رفته، خانه‌ها و حتی قبرستان‌هایشان ویران گشته، مزارعشان به آتش کشیده شده، پیروانش از کار و تحصیل محروم و ممنوع گشته و در کتاب‌ها و روزنامه‌ها مورد زشت‌ترین و نارواترین تهمت‌ها قرار گرفته‌اند. این دین "بهائی" نام دارد، کلمه‌ای که گوش‌های انباشته از تهمت و افترا و دروغ، تاب شنیدن آن را ندارد و برای بسیاری به زبان آوردن نام آن نیز آسان نیست.

در این سرکوب و آزار، که یک قرن و نیم تاریخ کشور ما را تشکیل می‌دهد، به خاطر اغوا و فریب ملایان، تقریباً همه طبقات مردم شرکت داشته‌اند. از بیسوادان و بی‌خبران که بهائی‌آزاری را به خاطر جهل و تعصب و یا ثواب از وظایف دینی خود دانسته‌اند تا نویسندگان و مورّخین ما، که با بی‌حالی و بی‌توجهی از کنار این جنایات

گذشتند، و به قصد یا نادانی، آن طور که خواهیم دید، به جعل تاریخ و حمله به این نهضت پرداختند. از فعالین چپ مارکسیست که تئوری‌های بی‌پایه و سست دربارهٔ تاریخ و جهان‌بینی این دین جعل کردند تا مارکسیست‌های اسلامی که در اوایل انقلاب دست در دست گروه حجّتیّه و پاسداران، در دستگیری و کشتار بهائیان و آواره ساختن آنان از لانه و کاشانه همت گماشتند. در بالای این هرم باید از طبقهٔ روحانی، آیات عظام، امامان جمعه، ملّایان، طلبه‌ها و روضه‌خوان‌ها نام برد که همواره پیشگام این مبارزه بوده‌اند و در قاموس ایشان اسلام‌مداری مساوی با دشمنی کینه‌توزانه با بهائیان است. اینان در دهه‌های متمادی عوام ناآگاه را در این نفاق‌افکنی و برادرکشی تجهیز کردند و نیروی عظیم مالی و تبلیغاتی‌شان آنچنان کارساز بود که گروه بزرگی از طبقهٔ تحصیل‌کرده و روشنفکر ما را نیز، که اکنون با دلزدگی و هراسی بی‌جهت به بهائیان می‌نگرند، خواسته یا ناخواسته زیر نفوذ قرار دادند.

در نیمهٔ دوم قرن نوزدهم باب، بنیان‌گذار آیین بابی را به خاطر ادعایش، به مانند مسیح، در مجلسی با حضور روحانیون و ولی‌عهد [ناصرالدین میرزا]، محاکمه و بعد تیرباران کردند. بهاء‌الله از رهبران جنبش بابی و بنیان‌گذار دین بهائی را با خانواده به کشور عثمانی تبعید نمودند تا سرانجام در زندانی در شهر دورافتادهٔ عکا جای گرفت و در نزدیکی همان شهر چشم از جهان فرو بست.

با برآمدن این دین، ایرانیانی از جامعهٔ مسلمان، یهودی و زردشتی، رشته‌هایی که پندارها و باورهای کهن سنتی بر جهان‌بینی دینی ایشان تنیده بود گسستند و با شهادت و سربلندی راهی جدید برگزیدند. نه علیه دین پیشین برخاستند و نه با دولتی علم‌طغیان پیا کردند. اینان به دینی ایرانی که ریشه در فرهنگ و تمدن ایران دارد دل بستند و با این آگاهی که آرمان‌های این دین می‌تواند در ساختمان ایرانی سربلند و آباد نقشی اساسی داشته باشد با فداکاری‌های حیرت‌انگیز آن را پاس داشتند. اینان ایرانی

می‌خوا
محبت
افتخار
به آسا
انسانی
یور
داشت
دوران
اسلام
در
و آن
نمی‌ن
حماس
تحمل
بدون
خواه
این
چیز
مقابلا
بهاثیا
دیگر
د

می‌خواستند که مردمانش، رها از قید خرافات و موهومات، انسان‌مداری و عشق و محبت به هم‌نوع را جانشین دشمن‌تراشی و کینه‌توزی نمایند. ایرانی که می‌تواند و باید افتخارات گذشته را باز یابد و کشوری باشد که همه کس، با هر عقیده دینی و سیاسی، به آسایش و آرامش در آن زندگی نماید. اما این خواسته را با محرومیت از همه حقوق انسانی و روبرو شدن با شدیدترین آزارها همراه دیدند.

یورش بیرحمانه ملایان و حکام قاجار که محو و نابودی کامل این دین را هدف داشت با پایمردی آزاداندیشان ایرانی که به این دین رو آورده بودند ناکام ماند. در دوران شاهان سلسله پهلوی این مبارزات با افت و خیزهایی ادامه یافت و در جمهوری اسلامی به اوج خود رسید.

درست نیست اگر قبول این آزارها و زنج‌ها را به پای تعصب دینی بهائیان بنویسیم و آن را مورد سؤال قرار دهیم که چرا اینان تقیه نمی‌کنند و به ظاهر خود را مسلمان نمی‌نامند تا از ظلم رها گردند. درست آنست که بگوئیم بهائیان با این قربانی دادن‌ها، حماسه‌ای می‌آفرینند که حقیقت‌جویی و دفاع از حقوق بشر و آزادی اندیشه نام دارد. تحمل زندان و شکنجه می‌نمایند تا در ایران فردا همه ساکنان این مرز و بوم بتوانند بدون وا همه از شحنه و محتسب و قاضی شرع و... در انتخاب عقاید خود، خواه دینی، خواه سیاسی آزاد باشند. و بدان خاطر پای استقامت می‌فشارند تا نشان دهند هنوز در این سرزمین کسانی هستند که با شهامت اخلاقی و فکری، به بهای از دست دادن همه چیز، در مقابل سالوس و ریا و نفرت‌پراکنی می‌ایستند. این ایستادگی و استقامت، با مقابله به مثل، با ترورهای انتحاری، با کشتار متقابل یا با خرابکاری همراه نیست. بهائیان با نثار عشق و محبت و با پرهیز از انتقام، به جهانیان می‌نمایانند که شیوه دیگری نیز برای ایستادن در برابر ظلم و تعصب وجود دارد.

در این راه بهائیان تنها نبوده و نیستند. تاریخ سرزمین ما چه در قرن‌های گذشته و چه

به این
دربارۀ
اوایل
و آواره
حانی،
پشگام
زانه با
رکشی
یگی از
ست به

مانند
و بعد
یاده به
زفت و

ایی که
امت و
طغیان
ند و با
نقشی
ایرانی

در عصر حاضر، شاهد فداکاری‌های بسیاری از زنان و مردان دلیری بوده که با سربلندی در این راه کوشیده‌اند. تفاوت در این است که از سهم جامعه بهائی در این راه کسی چیزی نمی‌داند زیرا هم‌زمان با مبارزات پی‌گیری که با بهائیان شد، حق سخن‌گفتن، انتشار کتاب و دادخواهی و ابراز حقیقت را نیز از ایشان گرفتند. آوردن نام بهائی را در تاریخ‌ها و کتاب‌های درسی و دانشگاهی ممنوع ساختند و فقط وقتی آن را مجاز دانستند که همراه با ردّ و بدگویی و نفرت از ایشان باشد. سرانجام با پرده‌پوشی بر جنایات خود، دست بردن و تقلب در تاریخ و یا جعل کتاب‌های به ظاهر تاریخی تصویری واژگونه و زشت از این دین ترسیم نمودند.

استاد عبدالحسین زرّین کوب ادیب، مورخ و پژوهنده معروف که صاحب ده‌ها اثر خواندنی و معتبر است در کتاب خود "تاریخ در ترازو" با اشاره به کتاب "تاریخ شهدای یزد"، که در مورد کشتار نزدیک یکصد بهائی در یزد در زمان قاجار نگاشته شده، می‌نویسد:

فرقه‌های مذهبی که تاریخ خود را نوشته‌اند، تقریباً همه جا کوشیده‌اند یک نوع مظلومیت ایزدی به خود بخشند و یک نوع سبیت اهریمنی به مخالفان. کتاب مشهور اعمال شهیدان ایران. به زبان سریانی. که حتی کریستین سن آن را برای تمدن ساسانیان به طور کلی از منابع بسیار معتبر می‌شمارد، در واقع از مخالفان با چنان لحن نفرت آمیزی سخن می‌گوید که باید قسمت عمده‌ای را از آن چه وی به نام شکنجه‌های ایرانی ذکر می‌کند مخلوق تعصب یا توهم نویسنده شمرد. آیا آن چه نیز در تاریخ شهدای یزد راجع به قتل و کشتار بهائیان بیان شده

ما نه
شهدا
تردید
خود
اینکه
می‌آو
افتخا
بیرحه
نگذا
ا:
اسلا
کتیبه
آن را
می‌دا
سید^۱
می‌نوید
کتاب^۲
ساسان

است و گاه از وحشت موی بر اندام انسان راست می‌کند تا حدی از همین توهم
و تعصب آن‌ها ناشی نیست^۱؟

(زرین کوب ۱۳۶۲: ۱۴۸)

ما نمی‌گوییم زرین کوب روایت کتاب اعمال شهیدان^۲ را با تردید می‌نگرد تا بر تاریخ
شهدای یزد و شرح قساوت‌های بهائی‌ستیزان به بهانه "توهم و تعصب مذهبی" سایه
تردید بیاندازد. بلکه جا دارد آرزو کنیم استاد مورخ ما پیش از این قضاوت، زحمتی به
خود می‌داد، سفری به یزد می‌کرد و با بازماندگان آن فجایع به صحبت می‌نشست. یا
اینکه نامی از کتیبه‌کرتیر مؤید بزرگ زمان ساسانیان، که با آن خوب آشنا بود، به میان
می‌آورد که وی در آنجا کشتار دیگراندیشان، دیگردینان، دیوپرستان و ... را از
افتخارات خود دانسته، به آن بالیده و جای تردید برای هیچ کس از قساوت‌ها و
بیرحمی‌هایی که در مورد مسیحیان و مانویان و مزدکیان و غیره مرتکب گردیدند باقی
نگذارده است.

اعمال شرم‌آوری که در یکصد و شصت سال گذشته، مخصوصاً در دوران جمهوری
اسلامی، در مورد بهائیان صورت گرفته نه تنها بار دیگر روایات اعمال شهیدان و متن
کتیبه‌کرتیر را به صورت زنده و علنی به نمایش می‌گذارد بلکه در قساوت و بیرحمی،
آن را بی‌رنگ می‌سازد. نکته اینجاست که آن حوادث شوم در ایران قرون وسطی رخ
می‌داد که هنوز امریکا کشف نشده بود، اروپا در قعر بی‌خبری بسر می‌برد و هنوز

^۱ سید علی محمد جمال‌زاده نویسنده معروف نیز شرحی از وقایع یزد و آشنائی خود با این کتاب
می‌نویسد (نگاه کنید به ص ۸۹).

^۲ کتاب "اعمال شهیدان" ماجرای خونبار کشتار مسیحیان ایران به توطئه موبدان زردشتی در زمان
ساسانیان است از جمله به اتهام جاسوسی برای روم.

با سربلندی
ین راه کسی
سخن گفتن،
بهائی را در
آن را مجاز
پرده‌پوشی بر
ناهر تاریخی

بدها اثر
تاب "تاریخ
اجار نگاشته

ند یک نوع
الفان. کتاب
آن را برای
از مخالفان
را از آن چه
هم نویسنده
ان بیان شده

می‌بایست قرن‌ها بگذرد تا جهانیان با منشور ملل متحد و مفهوم حقوق بشر آشنایی یابند. ولی جنایاتی که امروزه در ایران صورت می‌گیرد، تاریخ قرن بیست و یکم بر خود دارد، زمانی که مردم جهان آزادی عقیده و حق انتخاب دین را جزئی از اصول بدیهی و حقوق خداداده خود می‌دانند.

آنچه در کتاب حاضر خواهید خواند نه برای مظلوم‌نمایی نگاشته شده و نه سایه‌ای از "توهم و تعصب مذهبی" دارد. نه به قصد تبلیغ دین بهائی است و نه به قول زرین کوب برای نمایاندن "سبعیت اهریمنی" مخالفان آن است. بلکه بخشی از تاریخ کشور ماست که کوشش شده از گوشه فراموشی بیرون آید. سرگذشت گروه بزرگی از مردم ایران است از فارس و ترک و بلوچ و ترکمن و کرد، با سوابق دینی مختلف، و با آرزوهایی درخشان و تابناک برای آینده ایران، که به بهای دادن مال و هستی و جان خود، با سکوت و بردباری در پای آن آرمان‌ها ایستاده‌اند.

روش نویسنده در تدوین این کتاب در مرحله اول استفاده از اسناد و مدارک بوده است. اسنادی که در این کتاب ارائه شده و تصویر برخی از آن در انتهای کتاب آمده از منابع بهائی نیست بلکه از منابع دولتی و رسمی دولت ایران چه در زمان شاهان پهلوی و چه در زمان جمهوری اسلامی است. در همین اسناد است که می‌بینیم نقشه‌ای شوم برای از بین بردن نهائی جامعه بهائی در ایران شکل می‌گیرد و به تدریج جامعه عمل می‌پوشد.

سوی استفاده از اسناد مزبور، از کتاب‌های معتبری که در این زمینه منتشر شده، و نیز از خاطرات و یادداشت‌هایی که بهائیان از ماجراها و حوادث مهم در رابطه با بهائی‌ستیزی نگاشته‌اند - و برخی هنوز منتشر نشده - نیز استفاده گردیده. بخش دیگری از اطلاعات این کتاب را مصاحبه و گفتگو با بهائینی که در متن ماجراها بوده‌اند و اکنون در خارج از کشور بسر می‌برند تشکیل می‌دهد.

هدیه
کشور
دست
بهائیان
حکم
دورنگ
باقی ب

در
بهائی،
هم‌چنین
اختیار
صفحه
دلایلی

فریدون
آبان‌ما،

وق بشر آشنایی
ت و یکم بر خود
از اصول بدیهی

مده و نه سایه‌ای
ر نه به قول زرین
ی از تاریخ کشور
گی از مردم ایران
، و با آرزوهائی
و جان خود، با

د و مدارک بوده
ای کتاب آمده از
ان شاهان پهلوی
بنیم نقشه‌ای شوم
دریچ جامه عمل

ینه منتشر شده، و
مهم در رابطه با
له. بخش دیگری
ماجرها بوده‌اند و

هدف نویسنده از نگاشتن این کتاب باز نمودن گوشه‌ای از تاریخ اجتماعی و دینی کشور ما است که پایمال گردیده، دستخوش تحریف و بی حرمتی قرار گرفته و یا به دست فراموشی سپرده شده است. با مبارزات خونباری که در یک قرن و نیم اخیر با بهائیان صورت گرفته، کشور ما نیروی سازنده پیشتازی را از دست داده است. عدالت حکم می‌کند که این قصه دردناک نوشته شود، حقایقی که با دقت از دسترس مردم ما دور نگاه داشته شده در اختیار عموم قرار گیرد و یادی از این قهرمانان گمنام در تاریخ باقی بماند. این گفتگورا در "سخن پایانی" دنبال خواهیم کرد.

*

در نگاشتن این کتاب از کمک‌های گرانبهای چند تن از دوستانم، از بهائی و غیر بهائی، بهره بسیار برده و سپاسگزار راهنمائی‌ها و پیشنهادات سازنده ایشان هستم. هم‌چنین از دوستانی که خاطرات منتشر نشده و یا اسناد و مدارکی با گشاده‌دستی در اختیارم گذارده‌اند و نیز از دو دوست عزیزی که یکی روی جلد را طرح کرد دیگری در صفحه‌بندی کامپیوتری این کتاب مرا یاری داد صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم. به دلایلی که روشن است نامی از ایشان نمی‌برم و امیدوارم احترام و سپاسم را بپذیرند.

فریدون وهمن

آبان‌ماه ۱۳۸۸ [اکتبر ۲۰۰۹]

160 Years of Persecution
An overview of the persecution
of the Baha'is of Iran

Fereydun Vahman



'Asr-i-Jadid Publisher
Darmstadt, Germany
2009

NEW YORK POST

CLASSROOM EXTRA

The world's greatest inventor

Thomas Alva Edison invented much more than the light bulb.

BEFORE you go to bed tonight, try to count how many times over the course of today you listened to music, watched a movie,

typed on a keyboard, made a telephone call, used something powered by a battery or turned on an electric light. Now imagine that one person either invented all of these devices, or made the scientific discovery instrumental to the development of these devices.

That person was Thomas Alva Edison, the inventor of the incandescent light bulb. The electric light bulb is Edison's most famous invention, but we can find Edison's fingerprints on just about every

He invented the phonograph, the alkaline battery, the earliest motion picture projector, an engraving pen credited as the world's first tattoo machine and the first-ever electronic vote recorder. He made significant contributions to the invention of the typewriter and dramatically improved the telegraph, the stock ticker, the medical X-ray and the telephone.

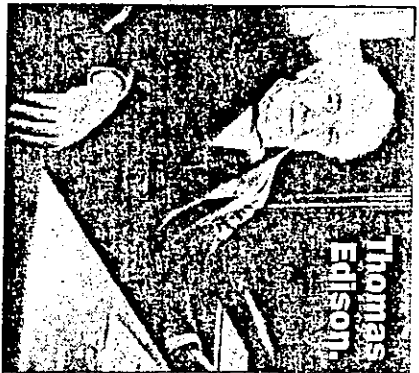
Edison held 1093 US patents (a license from the government officially recognizing the holder of the license as the inventor and owner of that invention) and hundreds more in other countries.

Thomas Edison was born on Feb. 11, 1847 in Milan, Ohio. He was a self-taught

good student, so his mother home-schooled him, believing in her son's intelligence. He suffered profound hearing loss during adolescence, and spent his adult life almost completely deaf.

Despite these early disadvantages, Edison was always fascinated by mechanics and chemistry. He built his first laboratory in his basement at age 10, and was still a boy when he got a job selling newspapers and candy on the Grand Trunk Railroad.

He set up a chemistry lab and a printing press in the train's baggage car and published a newspaper. Soon he was working as a telegraph operator. Telegraphs were the cutting edge of communication at the time, allowing people to send messages over a wire.



Thomas Edison

telegraph expert working for Western Union in Boston. He filed his first patent for a device that could automatically record the votes cast by legislatures. The machine was rejected by politicians, however, and Edison's first invention was a failure.

Edison left Western Union and moved to New York City to be a full-time inventor. Over the next few years, as he ran his own telegraph manufacturing businesses in New York and then New Jersey, he would patent several telegraph improvements, devise an upgrade to the electronic stock ticker, and invent the electric pen, a precursor to the mimeograph machine. His invention of the quadruple telegraph made him a wealthy man at age 24. In 1876, Edison established

experimental facility in Menlo Park, N.J. The complex included a machine shop, chemical and electrical laboratories, and a manufacturing plant. His large staff of workers was known as "muckers." Here he invented the carbon transmitter, a key improvement to telephone technology. And it was here, in 1879, that Edison introduced the world to the carbon filament lamp, the electric light bulb.

Thomas Edison designed the infrastructure necessary to advance the electric light system and was a very successful businessman, but his passion for inventing never waned. In 1893, at his new lab in West Orange, N.J., Edison built the Black Maria film studio, the first motion picture production studio in the world. One of his employees invented the kinetograph, the first motion picture camera, and Edison himself invented the kinetoscope, the first motion picture projector. The Black Maria film festival recognizes innovation in filmmaking to this day.

When Thomas Edison died in 1931 at age 83, he was trying to make a better rubber for automobile tires and had just received his last patent. Many people and businesses all over the world dimmed their lights or turned off their electric power in his honor.

Elmer... Thomas Edison... the world's greatest inventor... Thomas Edison was born on Feb. 11, 1847 in Milan, Ohio. He was a self-taught good student, so his mother home-schooled him, believing in her son's intelligence. He suffered profound hearing loss during adolescence, and spent his adult life almost completely deaf. Despite these early disadvantages, Edison was always fascinated by mechanics and chemistry. He built his first laboratory in his basement at age 10, and was still a boy when he got a job selling newspapers and candy on the Grand Trunk Railroad. He set up a chemistry lab and a printing press in the train's baggage car and published a newspaper. Soon he was working as a telegraph operator. Telegraphs were the cutting edge of communication at the time, allowing people to send messages over a wire. Edison left Western Union and moved to New York City to be a full-time inventor. Over the next few years, as he ran his own telegraph manufacturing businesses in New York and then New Jersey, he would patent several telegraph improvements, devise an upgrade to the electronic stock ticker, and invent the electric pen, a precursor to the mimeograph machine. His invention of the quadruple telegraph made him a wealthy man at age 24. In 1876, Edison established experimental facility in Menlo Park, N.J. The complex included a machine shop, chemical and electrical laboratories, and a manufacturing plant. His large staff of workers was known as "muckers." Here he invented the carbon transmitter, a key improvement to telephone technology. And it was here, in 1879, that Edison introduced the world to the carbon filament lamp, the electric light bulb. Thomas Edison designed the infrastructure necessary to advance the electric light system and was a very successful businessman, but his passion for inventing never waned. In 1893, at his new lab in West Orange, N.J., Edison built the Black Maria film studio, the first motion picture production studio in the world. One of his employees invented the kinetograph, the first motion picture camera, and Edison himself invented the kinetoscope, the first motion picture projector. The Black Maria film festival recognizes innovation in filmmaking to this day. When Thomas Edison died in 1931 at age 83, he was trying to make a better rubber for automobile tires and had just received his last patent. Many people and businesses all over the world dimmed their lights or turned off their electric power in his honor.